

تبارشناسی واژگانی و تحلیل ناهمگونی کاربری «انتظار الفرَج» در منابع فریقین

خدامراد سلیمیان^۱

چکیده

روایت‌هایی که ترکیب «انتظار الفرَج» در آن‌ها آمده است، در مفهوم ظاهری خود، چشمداشت رفع گرفتاری‌ها و گشایش را القا می‌کنند. این ترکیب با ناهمگونی‌هایی، هم در فضای فکری شیعه و هم در منابع روایی و تفسیری اهل سنت مورد استناد قرار گرفته است. این مقاله در قالب پاسخ به این پرسش ساماندهی شده است که ترکیب یادشده چگونه در دو فضای فکری و منابع روایی و تفسیری شیعه و اهل سنت، ناهمگون مورد استفاده قرار گرفته است. این تعبیر، در میان شیعیان در حوزه مباحث مهدویت وارد شده و در میان اهل سنت با وجود باور بیش‌تر گروه‌های فکری آنان به موضوع مهدویت، به ادبیات مهدویت آن‌ها راه نیافته است. مقاله پیش‌رو با رویکرد مذکور سامان یافته، بر آن است تا با بازنمایی روایات در دست، این دو جریان را در نگاه قرار داده، گستره مفهومی و کاربری هر یک را در مباحث فریقین بررسی کند. تا این‌که در پس این بررسی‌ها و تحلیل‌های حدیثی، روشن شود که این ترکیب، در گذر زمان و در منابع فریقین دو کاربری ناهمگون داشته است. شیعه بر اساس مبانی باورمندی خود به مهدویت و مهدی موعود، عالی‌ترین مصداق انتظار فرج را، انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریح دانسته و بر آن تأکید کرده است؛ در حالی که اهل سنت فقط از آن، امید به گشایش سختی‌ها و گرفتاری‌ها را در نظر گرفته است.

واژگان کلیدی: أفضل الأعمال، انتظار الفرَج، فریقین، مهدویت، شیعه، اهل سنت.

مقدمه

مقوله «انتظار فرج» یکی از مؤلفه‌های بنیادین و برجسته در میان آموزه‌های اسلامی است که در منابع و متون دینی بدان اشاره شده است. حدیث‌هایی که در آن‌ها ترکیب «انتظار الفرج» وجود دارد، از جمله احادیثی هستند که نقل‌های پرشماری از آن‌ها در منابع گوناگونی روایی اسلامی به چشم می‌خورند.

این روایات، اگرچه بیش‌تر در فضای فکری شیعه، و آن هم در بافت مسئله مهدویت و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به آن‌ها استناد شده است؛ در شماری از منابع پیشین و معاصر حدیثی اهل سنت نیز به چشم می‌خورد؛ با این تفاوت که محدثان سنی مذهب بر خلاف شیعه امامیه، با وجود آن که قاطبه آن‌ها به ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان باور دارند، اساساً این روایت را در بحث مهدویت به کار نمی‌گیرند. این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که چه عواملی سبب بهره‌برداری ناهمسان در دو مذهب اسلامی از این احادیث شده و کاربرد آن‌ها در منابع روایی چگونه است.

از آن‌جا که شیعه بر پایه روایات پرشماری قیام و حکومت جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را بالاترین گشایش در زندگی همه انسان‌های کره زمین، پس از یک دوران سرشار از سیاهی و تباهی (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳۹۰) و ستم و بیداد می‌داند؛ عالی‌ترین و کامل‌ترین مصداق این روایات را ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته است (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۶۶، ج ۲۹۳). شایان ذکر این‌که اگرچه در مباحث مربوط به «انتظار فرج» آثار پرشماری از کتاب، مقاله و پایان‌نامه نوشته شده است؛ به‌طور مشخص با عنوان این مقاله، پیش‌تر کاری علمی چندانی صورت نگرفته است.

برخی آثاری که به پژوهش پیش‌رو نزدیک‌اند، عبارتند از: کتاب «بررسی و تحلیل انتظار در اهل سنت (ظرفیت‌شناسی انتظار در میان اهل سنت)»، نوشته حسین الهی نژاد، چاپ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ و نیز مقاله «تحلیل رویکرد شناختی و کارکرد شناختی انتظار از منظر اهل سنت»، نوشته حسین الهی نژاد، فصلنامه انتظار، شماره ۵۱، بهمن ۱۳۹۴.

به نظر می‌رسد دیدگاه اصلی نگارنده در مقاله سامان یافته است؛ با این بیان که انتظار به عنوان باوری بنیادین در میان اهل سنت، دارای شاخصه‌ها و مباحث گوناگونی است که با باز

خوانی هر کدام از آن‌ها، نسبت به ابعاد انتظار شفافیت و بازشناسی بیش‌تری پیدا می‌شود. وی با طرح رویکردهای گوناگون به انتظار فرج، مدعی شده است که یک بار مباحث «رویکردشناختی انتظار» که به رویکرد «حدیث محوری» و «باور محوری» قابل تقسیم است؛ مطرح می‌گردد و از این طریق به گستره وجودی انتظار در منابع حدیثی و کتاب‌های علمای اهل سنت پی برده می‌شود. بار دیگر در پی طرح مباحث دیگری نظیر «ماهیت شناختی و کارکردشناختی انتظار» رفته و با واکاوی انتظار از این دو منظر، به تقسیمی، نظیر «انتظار عام و خاص» و نیز «انتظار مثبت و منفی» رهنمون می‌شویم. در بحث کارکرد شناسانه انتظار که حاوی تنوعاتی نظیر انتظار مثبت و منفی است؛ همچنین وی مدعی شده است اندیشمندان اهل سنت در سخنان و نوشته‌های خود به گونه‌ای فراگیر به این موضوع پرداخته و با ضوابطی دقیق، به بیان تمایزات آن دو مبادرت کرده‌اند. همچنین با تشریح نقش غیر سازنده انتظار منفی و با تبیین نقش تأثیر گذار انتظار مثبت؛ زمینه‌ساز ترویج انتظار مثبت در میان اهل سنت شده‌اند.

نویسنده البته با برداشت‌های خاص از دیدگاه‌های اهل سنت، در پی اثبات ادعای خود برآمده، نتیجه گرفته است که باورداشت «انتظار»، در میان اهل سنت دارای جایگاه مهم و خطیری است و از نظر تنوعات و گستره وجودی، به اقسامی چون عام و خاص و مثبت و منفی تقسیم می‌شود. انتظار عام و خاص با دو رویکرد «حدیث محور» و «باورمحور» قابل شناسایی و رصد می‌باشد.

وی در پایان یادآور شده است که بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، در منابع حدیثی اهل سنت، هیچ‌گونه روایتی که صریحاً به موضوع انتظار خاص پرداخته باشد، نقل نشده است؛ اما در مورد انتظار عام به صورت محدود، روایاتی در منابع حدیثی آنان دیده می‌شود. در عین حال، در نوشته‌ها و مکتوبات علمای اهل سنت که گویای باورها و اعتقادات آنان است، به صورت فراگیر و همه جانبه به انتظار خاص پرداخته شده است. البته بیش‌تر این بررسی‌ها و دیدگاه‌ها، قابل تأمل و نقد است که بخشی در این نوشتار انجام خواهد شد.

همچنین مقاله «بحثی درباره راه نیافتن روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» در گفتمان مهدویت اهل سنت»، نوشته یونس دهقانی فارسانی، سیدکاظم طباطبایی و مهدی جلالی در



مجله علوم حدیث، شماره ۶۹ را می‌توان به عنوان پیشینه این بررسی دانست. در مقاله مذکور که نزدیک‌ترین نوشتار به مقاله پیش‌رو است، به این ادعا پرداخته که روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج»، بیش‌تر در فضای فکری شیعه در بافت موضوع مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الموعود مورد استناد قرار گرفته است. آن‌گاه با طرح این پرسش که چرا با وجود ذکر پرشمار این روایت در آثار حدیثی اهل سنت و نیز باور قاطبه گروه‌های فکری آن‌ها به موضوع مهدویت، این روایت به ادبیات مهدویت آن‌ها راه نیافته است؛ کوشیده است سه عامل را در برساختن گفتمان تفسیری این روایت در میان اهل سنت شناسایی کند: الف) زمینه صدور؛ ب) روایات تضمین‌کننده ترکیب اصلی روایت مورد بحث؛ ج) کاربردهایی که آن‌ها در متون حدیثی سنی یافته‌است. سپس نشان داده است که همین عوامل، فهم (خوانش) از این روایت را به گونه‌ای شکل داده‌اند که با فهم آن در شیعه متفاوت گردیده است. به این ترتیب، میان این روایت و گفتمان مهدویت در اهل سنت پیوندی ایجاد نگردیده است.

از دیگر آثاری که اگرچه نه به صورت مستقیم، که به نوعی می‌توان آن را پیشینه این پژوهش قلمداد کرد، مقاله «بررسی و تحلیل دیدگاه‌های مهدوی شیخ عثمان بن فودی»، نوشته عبدالله بلو، مهدی یوسفیان، محسن رحیمی جعفری در فصلنامه علمی-پژوهشی انتظار موعود، شماره ۷۹، اسفند ۱۴۰۱ است که نویسندگان تلاش کرده‌اند همراهی و دغدغه‌مندی اندیشمندان اهل سنت را پایه‌پای علمای شیعه مورد بررسی قرار دهند. در این بیان، دیدگاه «شیخ عثمان بن فودی» (از اندیشمندان بزرگ و برجسته اهل سنت افریقا) به مهدویت، از جنبه‌های گوناگونی به دیدگاه امامیه شبیه دانسته شده است. آنچه در آن مقاله مورد کنکاش علمی قرار گرفته، عصمت، ولادت، طول عمر و نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الموعود است. البته به نوع نگاه این اندیشمند اهل سنت درباره «انتظار فرج» چندان اشاره نشده و حتی بهره‌مندی وی از این ترکیب نیز تبیین نشده است.

گفتنی است افزون بر آثار یادشده نوشته‌ای که به طور مشخص بتوان از آن با عنوان پیشینه بحث یاد کرد، یافت نشد.

شمار روایات مشتمل بر ترکیب «انتظار الفرج»

پیش از هر سخن لازم است که حقیقت مفهومی این حدیث، نه در حدیثی خاص با واژگانی مشخص، که در احادیثی ناهمگون، اما با تمرکز بر یک محتوا روشن شود؛ و آن، ترکیب «انتظار الفرج» به مثابه عنصر مشترک در این روایات است. افزون بر آن، این که در همه این نقل‌ها، عبارتی دال بر ستوده بودن و برتری داشتن «انتظار الفرج» نسبت به دیگر کارها یا دیگر عبادات، گاهی پیش، و گاهی پس از ترکیب «انتظار الفرج» آمده است.

بررسی‌ها در منابع گوناگون بر پایه نرم‌افزارهای در دست، مانند کتابخانه مهدویت و مکتبه الشامله، گویای آن است که بیش از سی نقل گوناگون از این روایت در منابع شیعی، در قریب دویست متن روایت و نزدیک ده نقل نیز در منابع روایی اهل سنت در حدود پانصد متن، وجود دارد.

آنچه در این جا دارای اهمیت است، نه شمار احادیث، که فهم‌هایی است که از آن‌ها صورت پذیرفته است. در این باره به نظر می‌رسد این برداشت‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم یا در دو گروه تبیین کرد:

نخست. «انتظار عام»: مقصود از این روایات، انتظار گشایش و رفع سختی در زندگی است از هر نوع که باشد. این برداشت بیش‌تر در میان اهل سنت رواج دارد و در این جا از آن به عنوان گشایش عام یاد می‌شود که بدان اشاره خواهد شد.

دوم. «انتظار خاص»: آن است که مقصود، اگرچه انتظار عام نیز می‌باشد؛ انتظار ظهور و قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان عالی‌ترین مصداق برای خروج از همه مشکلات و گرفتاری‌ها، مورد نظر قرار گرفته است؛ و البته این فهم را فقط در آثار حدیثی شیعی می‌توان یافت که در این جا از آن با عنوان «فرج خاص» یا «انتظار ظهور» یاد می‌کنیم.

پیش از تفصیل سخن، گونه‌شناسی این ترکیب در منابع فریقین بایسته می‌نماید:



گونه‌شناسی ترکیب «انتظار الفرج»

الف) در منابع امامیه

مجموع روایات با ترکیب یادشده در منابع امامیه در هر دو گونه عام و خاص راه یافته است که البته به معنای عام، همان برداشت اهل سنت است. در این جا به گونه‌های ترکیب‌های انتظار فرج اشاره می‌شود:

۱. أفضل العبادۃ انتظار الفرج

این حدیث به این صورت بر اساس منابع موجود نخستین بار در کتاب کمال الدین شیخ صدوق در این حدیث نقل شده است: «وَهَذَا الْأِسْنَادُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرْجِ (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ج ۱، ص ۲۸۷)؛ برترین عبادت انتظار فرج است.» پس از آن، همه کسانی که آن را نقل کرده‌اند، از این کتاب بوده است (شوشتری، ۱۴۰۹: ج ۱۳، ص ۲۶۵ و حرعاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ص ۷۵). از دیگر کسانی که این حدیث را نقل کرده‌اند، قندوزی در کتاب ینایع الموده است. نزدیک بودن باورمندی قندوزی به آموزه‌های اهل بیت عليهم السلام سبب شده است وی با این افزوده آن را بر فرج مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف منطبق بداند: «أَيُّ أَنْتِظَارِ الْفَرْجِ بظهور المهدي عجل الله تعالی فرجه الشريف» (قندوزی، ۱۴۲۲: ج ۳، ص ۳۹۷)؛ اما این که قندوزی و کتاب وی نزد اهل سنت، دارای چه مقدار اعتبار است، نیازمند بررسی مفصلی خواهد بود.

نکته قابل توجه در این حدیث، این که اگرچه «انتظار الفرج» همه گشایش‌ها را در بر می‌گیرد؛ گزینش این حدیث توسط شیخ صدوق به عنوان حدیث‌شناسی متبحر و خبره برای کتابی که با موضوع مهدویت است؛ می‌تواند قرینه‌ای باشد که این حدیث در باره انتظار گشایش به معنای ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز قابل استفاده است.

از اندیشوران و نویسندگان معاصر به طور عمدی کسانی که آن را نقل کرده‌اند، آن را در مقوله انتظار و مهدویت آورده‌اند (صدر، ۱۴۲۸: ص ۲۰۹ و فقیه ایمانی، ۱۴۰۲: ج ۱، ص ۲۴۹).



۲. أول العبادۃ انتظار الفرج بالصبر

این حدیث با این ترکیب نخستین بار در کتاب عیون الحکم والمواعظ، لیشی از علمای قرن ششم هجری (لیشی، ۱۳۷۶: ص ۱۸) و پس از آن در غررالحکم (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ص ۶۷) نقل شده و پس از آن، دیگر کسی آن را نقل نکرده است. اگرچه در این آثار بین آن و مهدویت پیوندی تعریف نشده است؛ برخی از بزرگان آن را در باره انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز دانسته‌اند؛ با این بیان:

اول عبادت و بندگی حق تعالی، انتظار گشایش است به صبر کردن، یعنی اول عبادات به حسب فضیلت و افضل آن‌ها این است که کسی در بلا شکیبایی کند و انتظار گشایش کشد و ممکن است مراد خصوص صبر بر غیبت اعلا حضرت صاحب الزمان - صلوات الله و سلامه علیه - باشد که عظیم‌ترین بلاهاست از برای مؤمنین و انتظار کشیدن گشایش به ظهور آن حضرت - صلوات الله و سلامه علیه - (خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۳۲۹).

۳. أفضل جهاد أمتی انتظار الفرج

این حدیث با این کلمات و ترکیب که در دوران معاصر در بحث‌های انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف فراوان مورد استناد قرار می‌گیرد، نخستین بار توسط ابن شعبه حرانی از علمای قرن چهارم، در کتاب تحف العقول (حرانی، ۱۴۰۴: ص ۳۷) نقل شده است. و پس از آن در میان منابع روایی شناخته شده، فقط بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۴، ص ۱۴۱) آن را نقل کرده است.

۴. أفضل العبادۃ الصبر و الصمت و انتظار الفرج

این حدیث نیز مانند پیشین، نخستین بار در کتاب تحف العقول (ص ۲۰۱) نقل شده با این تفاوت که به همین صورت شیخ مفید نیز آن را در کتاب الارشاد (مفید، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۳۰۲) آورده است و پس از آن حلی در کتاب کشف الیقین فی فضائل أمير المؤمنين عليه السلام (حلی، ۱۴۱۱: ص ۱۸۳) نیز آورده است. مرحوم مجلسی نیز آن را در سه جا در بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۸، ص ۹۶؛ ج ۷۴، ص ۴۲ و ج ۷۵، ص ۳۸) نقل کرده است. البته در کتاب‌های یادشده از این حدیث معنای اخلاقی آن که همانا شکیبایی بر سختی‌ها و



چشمداشت گشایش است، قصد شده است.

۵. انتظار الفرج بالصبر عبادة

بر پایه منابع در دست، راوندی، نخستین بار این حدیث را در کتاب دعوات این گونه نقل کرده است: «وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: اِنْتَظِرُ الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ عِبَادَةً» (راوندی، ۱۴۰۷: ص ۴۱) و پس از آن ابن ابی الحدید آن را در «فصل في مدح الصبر و انتظار الفرج» (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۲۲) آورده و ارتباطی بین این حدیث و مهدویت برقرار نشده است؛ در حالی که مجلسی آن را در بابی با عنوان: «فضل انتظار الفرج و مدح الشيعة في زمان الغيبة و ما ينبغي فعله في ذلك الزمان» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۴۵، باب ۲۲) نقل کرده که در این جا به روشنی برداشت از حدیث مربوط به انتظار مهدی موعود عجل الله تعال فرجه الشريف دانسته شده است.

۶. ما أحسن الصبر و انتظار الفرج

این حدیث نخستین بار در کتاب قرب الإسناد (ط- الحديثة) (حمیری، ۱۴۱۳: ح ۳۸۰، ص ۳۴۲)، نقل شده است.

البته در تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۰ در تفسیر سوره الأعراف: آیه ۷۱ نیز این گونه آمده است: عن أحمد بن محمد عن أبي الحسن الرضا عليه السلام: «قال: سمعته يقول ما أحسن الصبر و انتظار الفرج، أما سمعت قول العبد الصالح «فَأَنْتَظِرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظَرِينَ»» آنچه نمود این حدیث را در مهدویت بیش تر کرده انتخاب آن توسط شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمة (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ج ۲، ص ۶۴۵) باب ما روی فی ثواب المنتظر للفرج، است.

پیش از این اشاره شد، گزینش حدیث با توجه به وجهه غالب احادیث یک کتاب، می تواند گویای پیوند آن حدیث با مفهوم حاکم بر کتاب باشد؛ آن هم توسط دانشمند بزرگ حدیث شناس مانند شیخ صدوق.

اما از بزرگان معاصر شیعه، محمد تقی موسوی اصفهانی، آن را در کتاب مکیال المکارم که در باره فواید دعا برای حضرت مهدی عجل الله تعال فرجه الشريف می باشد (موسوی اصفهانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۶۴) آورده است. البته این نیز خود بر فهم نویسنده از تناسب حدیث با مباحث مهدویت و انتظار



فرج خاص دلالت دارد.

۷. أفضل أعمال أمتي انتظار الفرج

این حدیث به واسطه فراوانی نقل از احادیث مشهور انتظار فرج است که برای نخستین بار در کتاب کمال الدین و تمام النعمة (همان، ص ۶۴۴) در باب ۵۵ با نام «باب ما روی فی ثواب المنتظر للفرج» این گونه نقل شده است:

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مَعْرُوفٍ قَالَ أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ الْأَوَسِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

همچنان می توان این گزینش شیخ صدوق را گواهی بر نوع برداشت دانشمندان بزرگ شیعه از این روایت دانست؛ کما این که مجلسی نیز حدیث را در باب ۲۲ با عنوان «فضل انتظار الفرج و مدح الشيعة في زمان الغيبة و ما ينبغي فعله في ذلك الزمان» نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۱۲۲) که خود گویای برداشت وی از روایت است.

۸. خزاز حدیثی را نزدیک به این مضمون به این صورت: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ شِيعَتِنَا أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛ از امام جواد عليه السلام در ضمن عباراتی در باره حضرت مهدی عجل الله تعالي فرجه الشريف (خزاز، ۱۴۰۱: ص ۲۸۱) از آن حضرت نقل کرده است که به قرینه «شیعتنا» پیوند آن با مهدویت روشن تر است.

از دیگر روایاتی که به روشنی انتظار فرج در این حدیث به انتظار ظهور مهدی عجل الله تعالي فرجه الشريف تفسیر شده، فرمایشی است از امام حسن عسکری عليه السلام در پاسخ به پرسش های علی بن بابویه در مورد زمان ظهور:

عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَ أَنْتِظَارِ الْفَرَجِ فَإِنَّ النَّبِيَّ ﷺ: قَالَ أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ وَلَا تَزَالُ شِيعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَ لَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ ﷺ يَنَالُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ص ۶)؛ پیوسته شکیبایی را پیشه کن و منتظر فرج باش؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: بهترین اعمال امت من انتظار فرج است. پیوسته شیعیان ما در غم و اندوهند تا موقعی که ظهور کند، فرزندان همان کس که پیامبر اکرم بشارت ظهور او را چنین داده است: زمین را پر از عدل و داد پر کند؛ آن چنان که پر از ظلم و ستم شده است.



بنابراین، تردیدی نخواهد ماند که تلقی اولیه دانشمندان بزرگ شیعه از این حدیث، انتظار فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان بزرگ‌ترین گشایش بوده است.

۹. اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ

این حدیث برای نخستین بار از امام سجاد علیه السلام، در کمال الدین (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ج ۱، ص ۳۲۰) نقل شده است. با توجه به عبارت‌های پیش از آن (چنانچه این بخش را پیوسته به ماقبل بدانیم) انتظار فرج در این جا مقصود انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ چرا که در بخش‌های پیشین از امام سجاد علیه السلام چنین نقل شده است:

... ثُمَّ مَتَّئِدُ الْغَيْبَةِ بِوَلِيِّ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ... إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُتَنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ ...
(همان)

پس از آن حدیث مذکور در منابع دیگر، از این منبع نقل شده است، مانند کتاب حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام، اثر سید هاشم بن سلیمان بحرانی، ج ۴، ص ۱۳. بررسی این احادیث و مانند آن گویای این نکته است که بزرگان شیعه عموماً در کنار انتظار گشایش گرفتاری‌ها، مصداق جامع انتظار الفرج را انتظار ظهور می‌دانسته‌اند. از این رو، امروز انصراف به چشمداشت ظهور و قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف انصراف پیدا کرده است. به این ترتیب، این نقل‌ها از روایات می‌توانند به مثابه عاملی در شکل‌گیری خوانش مهدی‌محور در فضای فکری شیعه به شمار آیند که سبب شد تا از آن پس در منابع روایی مهدویت راه یابد (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۲، ص ۸۹؛ موسوی اصفهانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۶۶ و طبسی، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۰۱).

در جمع‌بندی این بحث باید گفت به گمان قوی، در میان شیعیان، زمینه‌های صدور روایاتی با ترکیب «انتظار الفرج» و نیز روایات مربوط، به مثابه یک عامل موجب گردیده است که قرائت و فهم شیعی این روایت، به سمت قرائت و فهم «مهدی‌محور» گرایش یابد. به عبارت دیگر، مهدوی نگاران با دیدن این زمینه‌های صدور و نیز روایات مربوط ارتباط این احادیث با مهدویت را متقاعد بوده‌اند.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، آن است که محل قرار گرفتن یک حدیث در یک اثر، می‌تواند کاربرست آن حدیث را در آن کتاب آشکار کند؛ حتی اگر مؤلف سخنی در باره آن کاربرست در کتابش به زبان نیاورده باشد.

ب) در منابع اهل سنت

بر خلاف فهم و کاربرست امامیه از این ترکیب، در میان بیش‌تر اهل سنت، فقط یک زمینه صدور برای آن می‌توان یافت و آن نیز انتظار گشایش در امور زندگی بوده است؛ چه این‌که در همه نقل‌هایی که در دست است، اثری از پیوند این ترکیب با قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی‌توان یافت.

انتظارالفرج، از منظر اهل سنت، انتظار عام و بر پایه مفهوم واژگانی آن است؛ انتظاری که در آن، فقط توجه به امید به گشایش و رفع گرفتاری و مشکلات است. باید توجه داشت صرف کاربرست واژه «منتظر» در کتاب‌ها، مقالات و نوشته‌های اهل سنت دلیلی بر همسانی برداشت مفهومی آنان از این ترکیب با شیعه نخواهد بود، بلکه ایشان فقط معنای واژگانی آن را قصد کرده‌اند. این دیدگاه تا حدودی به تحلیل مفهومی «انتظار فرج» در میان اهل سنت بستگی دارد.

ابن قیم جوزی در کتاب مدارج‌السالکین درباره معنای اصطلاحی انتظار فرج، آن را روح فرج دانسته است؛ آن‌گاه ابراز داشته است که ملایمت و لذت‌بخشی و فرج با انتظار حاصل می‌شود. پس انتظار و ترقب فرج، تخفیف سختی انتظار را به همراه دارد؛ به‌ویژه زمانی که انسان در اوج امیدواری و قطعیت امیدواری است. پس به‌راستی این‌که انسان در میان بلا از روح فرج و ملایمت و راحتی آن بهره‌مند است، از الطاف خفی و گشایش بهره یافته است (الجوزی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۱۶۶).

محمد ابوالعلا نیز در بحث مفهومی انتظار فرج می‌نویسد:

إِنْتَظَارُ الْفَرَجِ أَيْ إِتِّبَابُ ذَهَابِ الْبَلَاءِ وَالْحُزْنِ بِتَرْكِ الشِّكَايَةِ إِلَى غَيْرِهِ تَعَالَى وَ كَوْنُهُ أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ لِأَنَّ الصَّبْرَ فِي الْبَلَاءِ إِنْقِيَادٌ لِلْقَضَاءِ وَالْفَرَجُ بِفَتْحَتَيْنِ بِالْفَارِسِيَّةِ غَشَايَشُ يُقَالُ فَرَجَ اللَّهُ الْعَمَمَ عَنْهُ أَيْ كَشَفَهُ وَ أَذْهَبَهُ (أبوالعلا، بی تا: ج ۸، ص ۴۶۸)؛ انتظار فرج، به معنای امیدوار بودن جهت از بین رفتن بلا و اندوه و ترک شکوه پیش‌گیر خدا است و این انتظار، به جهت این‌که با صبر در بلا و تسلیم در قضا همراه است، برترین عبادت به



شمار می‌آید و واژه فرج (به فتح «فاء» و «راء») در فارسی به معنای گشایش است و فرج‌الله‌الغم؛ یعنی خداوند غم و سختی را از بین برد.

مطالعه در بیش از صدها متن از منابع اهل سنت (بر اساس نرم افزار مکتبه الشامله) نتیجه یاد شده را در نگاه قرار می‌دهد که فقط به اندکی از آن‌ها اشاره می‌شود:

ترمذی در سنن خود در ضمن فرمایشی از رسول گرامی اسلام ﷺ چنین آورده است:

سَلُّوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّ اللَّهَ -عَزَّ وَجَلَّ- يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ، وَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ (ترمذی، ۱۴۱۹: ج ۵، ص ۳۸۵)؛ خداوند را از فضلش درخواست کنید که خداوند درخواست از خود را دوست دارد و برترین عبادت انتظار فرج است.

با توجه به عبارت نخستین حدیث که در بیش تر نقل‌های اهل سنت آمده است، این انتظار فقط امری اخلاقی است که انسان‌ها را به رفع گرفتاری امیدوار می‌کند.

از دیگر کسانی که حدیث را نقل کرده ابن ابی‌الدنیا است که آن را در کتاب الفرج بعد الشده (۱۴۰۸: ص ۲۲)؛ همانند ترمذی نقل کرده است. پس از وی و در قرن چهارم تنوخی آن را در کتاب خود الفرج بعد الشده (تنوخی، ۱۳۹۸: ص ۱۱) آورده است. از دیگر کسانی که این حدیث را نقل کرده است، بدون این‌که هیچ پیوندی بین آن و مهدویت قائل باشد، احمد بن عمر بزار یکی دیگر از علمای اهل سنت است که حدیث یادشده را در کتاب خود (بزار، ۱۴۳۰: ج ۱۳، ص ۷) نقل کرده، با این تفاوت که عبارت نخست را نیاورده، فقط بخش پایانی را نقل کرده است.

طبرانی (طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۱۰، ص ۱۰۱) و طبری (طبری، ۱۴۲۲: ج ۶، ص ۶۷۰) از دیگر کسانی هستند که حدیث را مانند ترمذی نقل کرده‌اند. از دیگر علمای اهل سنت، ابن مقرئ است که فقط بخش پایانی حدیث را مانند بزار نقل کرده است (ابن مقرئ، ۱۴۱۹: ص ۲۴۶).

بیهقی نیز از دیگر علمای اهل سنت است که البته حدیث دیگری را با همین ترکیب این‌گونه نقل کرده است: «انْتَظَرِ الْفَرَجَ مِنَ اللَّهِ عِبَادَةً وَمَنْ رَضِيَ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ» (بیهقی، ۱۴۲۱: ج ۷، ص ۲۰۴)؛ وی حدیث را طبق نقل ترمذی نیز نقل کرده است (همان، ص ۲۰۵).

خطیب بغدادی حدیثی را شبیه حدیث نخست بیهقی نقل کرده با این تفاوت که «من الله»



در آن نقل نشده این گونه آورده است: عن أنس، عن النبي صلى الله عليه [وآله] و سلم قال: «انتظار الفرج عبادة» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۱۵۲).

متقی هندی در کنز العمال، در سه نقل با ترکیب یادشده به طور مشخص فقط به نقل روایت بسنده کرده است؛ اما ضمن این که پیش و پس حدیث همگی درباره صبر و فضیلت آن است، هیچ گونه پیوندی بین آن و مهدویت دیده نمی شود (متقی هندی، ۱۴۰۱: ج ۳، ص ۲۷۲).

از دیگر کسانی که به نقل حدیث پرداخته اند، می شود به ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۲: ص ۳۰۰)؛ ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ص ۱۲۹)؛ غزالی در احیاء علوم الدین (غزالی، ۱۳۸۴: ص ۳۰۴)؛ قرطبی در تفسیر خود (قرطبی، ۱۳۸۴: ص ۳۲۳) و ده ها کتاب دیگر اشاره کرد که این ها نیز در هیچ یک از این آثار به احتمال پیوند و یا تطبیق این انتظار بر بحث مهدی موعود حتی اشاره ای نیز نکرده اند.

بر اساس آنچه گذشت، در میان اهل سنت، در کنار زمینه صدور که برای روایت ذکر شده است، با وارد شدن برخی نقل ها از روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» - که نسبت به آن افزایشی در لفظ داشته اند - جهت بیان آن حدیث به گونه ای گرایش می یابد و آن کاربست اخلاقی است.

این نکته زمانی روشن تر می شود که ملاحظه می شود ترمذی حدیث یادشده را در کتاب سنن خود در بخشی با عنوان «ابواب الدعوات» نقل کرده است. وی ششمین باب از این مجموعه باب ها را «باب فی انتظار الفرج و غیر ذلک» نام گذاری کرده است. در این بخش، احادیث دیگری با مضمون درخواست از خدا نقل کرده است.

البته ممکن است کسانی از سخنان برخی از دانشمندان اهل سنت چنین برداشت کنند که آن ها نیز این ترکیب را در بحث مهدویت به کار برده و از آن انتظار فرج به معنای خاص قصد کرده اند که در ادامه به تحلیل برخی از این رویکردها می پردازیم:

یکی از این موارد، عبارت هایی از سخنان البانی است که چنین نگاشته است:

... فالشرع و العقل معا يقتضيان أن يقوم بهذا الواجب المخلصون من المسلمين، حتى إذا خرج المهدي، لم يكن بحاجة إلا أن يقودهم إلى النصر، وإن لم يخرج فقد قاموا هم بواجبهم، و الله يقول: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ» (البانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۴۳). پس



اقتضای شرع و عقل این است که مسلمانان مخلص به وظایف اسلامی خود عمل کنند تا آن زمان که مهدی خروج کند و نیازی نباشد آن‌ها را به سوی پیروزی رهبری کند و چنانچه او خروج نکرد، همانا آن‌ها به واجبشان عمل کرده‌اند؛ زیرا خداوند می‌فرماید: [به مسلمانان] بگو عمل کنید که خدا و رسول او اعمال شما را می‌بینند.»

نکاتی را می‌توان از مطلب بالا برداشت کرد:

نخست این که در این عبارت نه فقط از انتظار با تلقی شیعی سخنی به میان نیامده، که انتظار شیعی را رد کرده است. این برداشت با مراجعه به عبارت‌های پیشین سخن البانی به دست می‌آید که به آن اشاره خواهد شد.

دوم این که در این عبارت، سخن از «خروج» است، نه «ظهور»؛ و این تفاوت بنیادین میان دیدگاه شیعه و اهل سنت است. شیعه بر ظهور پس از غیبت تأکید می‌کند؛ در حالی که اهل سنت، به غیبت مهدی موعود باور ندارند. بنابراین، در این بیان البانی بر انتظار فرج به معنای امید به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف هیچ تصریح و حتی اشاره‌ای دیده نمی‌شود. اما نفی تلقی انتظار فرج بر پایه دیدگاه شیعی و حتی تمسخر آن، در عبارت‌هایی از سخنان البانی این‌گونه به چشم می‌خورد:

فنحن علينا معشر المسلمين ألا ننتظر ما بشرنا بمجيئه من المهدى أو عيسى علينا أن نعمل؛ بر ما مسلمانان است که منتظر نمایم برای کسی که بشارت آمدنش به ما داده شده است، مهدی باشد یا عیسی، بلکه ما مأمور به عمل هستیم (همان، ۱۴۳۱: ج ۹، ص ۳۰۴).

البانی در ادامه با تعریض و کنایه بر شیعه امامیه می‌نویسد: «زیرا این واقعیت را اکنون به طور کامل احساس می‌کنیم که گروه‌هایی از مسلمانان در جهان اسلام پراکنده شده‌اند و منتظر رهبری هستند که دست آن‌ها را بگیرد و در هر زمان و مکان، آن‌ها به همراه او با دشمنان اسلام بجنگند. بنابراین، آن‌ها فاقد این رهبر انسانی اصلاحگر هستند؛ اما حالا تصور کنید: اگر آن بشارت داده شده مهدی باشد یا عیسی، شروع کرد به اصلاح بین مسلمانان؛ همان طور که اهل اصلاح در جهان اسلام امروز انجام می‌دهند؛ پس آیا او وقتی آمد، در این جریان اصلاحات بازنده خواهد شد یا پیروز؟ چراکه در این راه عمرش سپری می‌شود، مگر این که عمری شبیه زندگی



نوح داشته باشد و این -عمر طولانی- را به ما بشارت نداده‌اند، بلکه فقط گفته شده عمرش صرف اصلاح مسلمانان و آموزش اسلام صحیح به آن‌ها می‌شود. بنابراین، نباید تصور کنیم که عیسی فرود خواهد آمد، مگر این‌که زمین برای پذیرش او آماده شده باشد. همچنین ما باید احادیث نزول و خروج را این‌گونه بدانیم که این احادیث مسلمانان را به تلاش برای بازگرداندن اسلام به شکوه گذشته خود فرا می‌خواند، نه این‌که منتظر باشند تا عیسی و مهدی عظمت گذشته را به آنان بازگردانند (همان).

البته این دیدگاه ناهمگون از شیعه در سخنان دیگران از اهل سنت نیز به چشم می‌خورد به عنوان نمونه علی بن نائف الشحود در این باره می‌نویسد:

أن إيماننا بخروج المهدي لا يدفعنا إلى ترك العمل اتكالا عليه، و انتظارا لخروجه، فإن النبي ﷺ ما أخبرنا به لنترك العمل و إنما كان إخباره به من أجل أن يبعث الأمل في نفوس الصالحين عند اشتداد الكرب و ظهور الكفر و أهلها، لئلا يلحقهم من جراء ذلك يأس أو قنوط (الشحود، بی تا: ج ۲۵، ص ۱)؛ اعتقاد ما به خروج مهدی ما را بر آن نمی‌دارد که با تکیه بر آن، کار را ترک کنیم و منتظر خروج او باشیم؛ زیرا پیامبر ﷺ به ما فرموده است که کار را ترک کنیم، بلکه بدین معنا بوده که هنگام گرفتاری شدید و ظهور کفر و اهل آن، امید در جان صالحان دمیده شود و بر آنان یأس و نومیدی غلبه نکند.

در این سخنان نه به اشاره که به صراحت به انتظار در باور شیعه انتقاد شده و آن را به گونه‌ای بر خلاف فرمایش رسول گرامی اسلام ﷺ دانسته است. وی در جایی دیگر صریح‌تر دیدگاه شیعه را مورد انتقاد قرار داده و نوشته است:

نحن نؤمن أن عيسى عليه السلام سينزل من السماء و نحن نؤمن بأن المهدي سوف يخرج في هذه الأمة، لكننا نؤمن -أيضاً- أن الله سبحانه و تعالى لم يتعبدنا قط بانتظار أحد و إنما تعبدنا بأن نقوم نحن بالأعمال الصالحة التي كلفنا بها من: الدعوة و الإصلاح و الخلق الجميل و طلب العلم النافع و القيام بالعمل الصالح و العبادة و الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر و التعاون على البر و التقوى و السعي في تكامل المسلمين، فهذا ما تعبدنا الله و أمرنا به (همان، ۱۴۲۸: ج ۹، ص ۳۱۲)؛ ما معتقدیم که حضرت عیسی علیه السلام از آسمان نازل می‌شود و معتقدیم مهدی در آینده در میان این امت خروج می‌کند؛ اما همچنین معتقدیم که



خداوند سبحان هرگز ما را در انتظار کسی تکلیف نکرده است، بلکه تکلیف کرده که اعمال نیکی را انجام دهیم. همانند: خواندن خداوند، اصلاح، خوش اخلاقی، طلب علم مفید، انجام دادن عمل صالح و عبادت کردن، امر به معروف و نهی از منکر، همکاری در نیکی‌ها و تقوا و تلاش برای تکامل مسلمانان. این‌ها چیزی است که خداوند ما را به آن مکلف و امر فرموده است.

نه فقط متقدمان از اهل سنت که معاصران (۲ قرن گذشته) نیز هیچ‌کدام ترکیب «انتظار الفرج» را در پیوند با ظهور و قیام مهدی موعود ندانسته و در این باره تفسیر و یا تحلیل نکرده است (مبارکفوری، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۷) و البته به این نیز بسنده نکرده، مانند برخی از گذشتگان، آن را ضعیف یا جعلی دانسته است.

حسام الدین بن موسی عفانه در کتاب فتاوی یسألونک (عفانه، ۱۴۲۷: ج ۱۲، ص ۶۱) این‌گونه می‌نویسد: «ولمنه حدیث موضوع کما قال العلامة الالبانی فی سلسله الضعیفه و الموضوعه». آن‌گاه در ادامه معنای انتظار الفرج را فقط به معنای صبر بر بلا و خشنودی از قضای الهی دانسته است.

نیز ابن جوزی حدیث را در کتاب العلل المتناهیة فی الاحادیث الواهیة (ابن جوزی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۸۱) نقل کرده و همان‌گونه که از نام کتاب روشن است، کتاب در نقل احادیث باطل و واهی از نگاه نویسنده است.

در میان اهل سنت، معاصر، البته کسانی افزون بر سست و یا برساخته بودن روایات «انتظار الفرج» به شیعه نسبت داده‌اند که این دست روایات را در موضوع مهدویت وضع کرده است. از اینان می‌توان به ناصر القفاری اشاره کرد که در کتاب أصول مذهب الشیعة الإمامیة الإثنی عشریة - عرض و نقد - (القفاری، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۸۵۹) می‌نویسد:

كما قاموا من جهة أخرى بوضع روایات تجعل من انتظار الفرج بخروج القائم من أفضل الأعمال وأعظمها وذلك - فيما يظهر - لطرده الملل من طول الانتظار، وإزالة الأذى الناتج عن شدة الترقب، والشعور بالحرمان من صحبة القائم الإمام. جاء في الكافي: «أقرب ما يكون العباد من الله جل ذكره وأرضى ما يكون عنهم إذا افتقدوا حجة الله جل وعز ولم يظهر لهم ولم يعلموا مكانه وهم في ذلك يعلمون أنه لم تبطل حجة الله جل ذكره ولا ميثاقه، فعندها فتوقعوا الفرج صباحًا ومساءً».



در میان اهل سنت نه فقط روایات «انتظار الفرَج» در مقوله مهدویت راه نیافته است، بلکه برخی از دانشمندان اهل سنت این دیدگاه شیعه را مذمت و آن را رد کرده‌اند. به عنوان نمونه:

۱. ناصرالدین البانی، از دانشمندان اهل سنت، پس از اشاره به حتمی بودن خروج مهدی موعود، (که همانام پیامبر ﷺ و پدرش همانام پدر پیامبر است) بر اساس روایات پرشمار و معتبر، با اشاره به برادران مسلمان خود با تعریض بر دیدگاه شیعه امامیه می‌نویسد:

واعلم يا أخي المسلم أن كثير من المسلمين اليوم قد انحرفوا عن الصواب في هذا الموضوع، فمنهم من استقر في نفسه أن دولة الإسلام لن تقوم إلا بخروج المهدي؛ بدان ای برادر مسلمان! همانا تعداد فراوانی از مسلمانان امروزه از راه درست در موضوع مهدویت منحرف شده‌اند از آن‌ها کسانی هستند که بر این باورند دولت اسلامی جز با خروج مهدی تحقق نمی‌یابد.

سپس آن را خرافه و گمراهی معرفی کرده است و آن را از القائنات شیطان دانسته و احادیث مهدی را از آن مبرا معرفی کرده است؛ چه این‌که او مهدی را از حاکم بلامنازع وعده داده شده پیامبر ﷺ برای مردمان آخرالزمان، به یکی از مجددان اسلام در هر سده پایین آورده است و می‌نویسد: «... و وصفه بصفات بارزة أهمها أنه يحكم بالإسلام وينشر العدل بين الأنام، فهو في الحقيقة من المجددين الذين يبعثهم الله في رأس كل مائة سنة كما صح عنه صلى الله عليه وآله وسلم.»

در پایان در ردّ انتظار، منتظر بودن و زمینه‌سازی، انسان‌ها را به انجام دادن تکالیف در زمان حیات خود متناسب با آن زمان مکلف دانسته، از آن‌ها نسبت به برپایی حکومت توسط مهدی موعود سلب مسئولیت کرده است و می‌نویسد:

... خروج المهدي لا يستلزم التواكل عليه وترك الاستعداد والعمل لإقامة حكم الله في الأرض، بل على العكس هو الصواب، فإن المهدي لن يكون أعظم سعياً من نبينا محمد صلى الله عليه وآله] وسلم الذي ظل ثلاثة وعشرين عاماً وهو يعمل لتوحيد دعائم الإسلام، وإقامة دولته ...

وی نتیجه می‌گیرد عقل و شرع حکم می‌کند مسلمانان در زندگی خود از پراکندگی دور شوند و به امور خود بپردازند. چنانچه مهدی خروج کند، نیازی نیست تا آن‌ها را به پیروزی برساند و اگر



خروج نکرد، آن‌ها به تکلیف خود عمل کرده‌اند. و می‌گوید:

فالشرع والعقل معا يقتضيان أن يقوم بهذا الواجب المخلصون من المسلمين، حتى إذا خرج المهدي، لم يكن بحاجة إلا أن يقودهم إلى النصر، وإن لم يخرج فقد قاموا هم بواجبهم، والله يقول: ﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ﴾. البته در این سخنان اشاره‌ای به حالت انتظار نشده است (البانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۴۳).

تأکید می‌شود نه فقط نسبت باور به انتظار فرج به البانی - که امروزه در میان اهل سنت از جایگاه والایی برخوردار است - در بحث مهدویت نادرست است که وی در کتاب خود با نام السلسله الضعيفه عمده روایاتی که ترکیب انتظار الفرّج را دارد، ضعیف و حتی جعلی دانسته است با تعبیرهایی مانند:

«سلاوا الله عز و جل من فضله فإن الله يحب أن يسأل وأفضل العبادة إنتظار الفرّج»؛ موضوع (ج ۱، ص ۷۰۵)؛

«انتظار الفرّج بالصبر عبادة» موضوع؛ «ضعيف جداً» (ج ۴، ص ۷۲)؛

«انتظار الفرّج من الله عبادة ومن رضي بالقليل من الرزق رضي الله منه بالقليل من العمل (ضعيف جداً)» (ج ۴، ص ۷۵).

البته تأکید می‌شود پیش از وی نیز گذشتگان از علمای اهل سنت این حدیث را اساساً باطل دانسته‌اند. به عنوان نمونه: «عن أنس عن النبي صلى الله عليه وآله] و سلم قال: انتظار الفرّج عبادة؛ قال الشيخ وهذا حديث باطل» (ابن عدی، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۷۶).

سخن آخر این که نه فقط ترکیب «انتظار الفرّج» در حوزه مهدویت اهل سنت راه نیافت که برخی از آن‌ها کاریست این ترکیب نزد شیعیان را در مهدویت به شدت برنتافته، از آن به بدی یاد کرده‌اند.

مانند آنچه ناصر القفاری در اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه عرض و نقد؛ این‌گونه گفته است:

«... كما قاموا من جهة أخرى بوضع روایات تجعل من انتظار الفرّج بخروج القائم من أفضل الأعمال وأعظمها...» (قفاری، ۱۴۱۴: ج ۲، ۸۵۰ / نرم افزار مکتبه الشامله). روایات انتظار فرج در معنای انتظار مهدی موعود را برساخته دانسته است.



نتیجه‌گیری

بررسی‌های فراوان گویای آن است که اساسی‌ترین دلیل ناهمگونی کاربست ترکیب «انتظار الفرج» تلقی هر یک از فریقین از مهدویت و مهدی موعود است. مهدویت شیعه امامیه، یعنی باور به مهدی موعود موجود که به دلایلی در پرده غیبت است و شیعیان انتظار خروج او را از پس پرده غیبت دارند تا در پس قیام جهانی خود، حکومت عدل را در همه کره زمین بر پا کند؛ در حالی که تلقی اهل سنت از مهدی موعود انسانی است که در آستانه خروج به دنیا خواهد آمد و زمین را از عدل و قسط پر خواهد کرد و این خود سبب شده تا انتظار نزد آنان معنایی متفاوت داشته باشد.

بنابراین، «انتظارالفرج» در میان امامیه، اگرچه در مواردی بر معنای واژگانی حمل شده است؛ به گونه‌ای فراگیر در باره انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه به کار رفته است؛ در حالی که در میان اهل سنت به طور اساسی وارد مقوله مهدویت نشده است و ادعای انتساب این ترکیب در مقوله مهدویت به اهل سنت بدون سند و غیرقابل قبول است.



منابع

۱. ابن ابی الحديد، عبدالحمید (۱۳۶۳). *شرح نهج البلاغه*، قم، مكتبة آيت الله المرعشي النجفي.
۲. ابن ابی الدنيا، ابوبكر عبدالله بن محمد (۱۴۰۸ق). *الفرج بعد الشدة*، مصر، دار الريان للتراث.
۳. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۳۸۷ق). *عيون اخبار الرضا*، انتشارات جهان.
۴. _____ (۱۳۸۰). *صفات الشيعة*، تهران، زواره.
۵. _____ (۱۴۱۳ق). *من لا يحضره الفقيه*، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. _____ (۱۳۵۹). *كمال الدين وتمام النعمة*، تهران، دار الكتب الإسلامية.
۷. ابن جوزی، جمال الدين ابوالفرج (بی تا). *العلل المتناهیه فی الاحادیث الواهیة*، فیصل آباد (پاکستان)، اداره العلوم الاثریه.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه.
۱۰. ابن عدی، ابو احمد (۱۴۱۸ق). *الكامل فی ضعفاء الرجال*، بیروت، الكتب العلمية.
۱۱. ابن عساکر، علی بن الحسن (۱۴۱۵ق). *تاریخ مدینة دمشق*، بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع.
۱۲. ابن مقرئ، محمد بن ابراهیم (۱۴۱۹ق). *معجم ابن المقرئ*، ریاض - عربستان، مكتبة الرشد ناشرون.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
۱۴. ابن قییم الجوزی، محمد (۱۴۱۶ق). *مدارج السالکین بین منازل إياک نعبد و إياک نستعین*، محقق: محمد المعتصم بالله البغدادی، بیروت.
۱۵. أبو العلاء، محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم (بی تا). *تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی*، بی نا، بی جا.
۱۶. اکبرنژاد، مهدی (۱۳۸۸). *بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت*، قم، بوستان کتاب.
۱۷. الالبانی، محمد ناصرالدین (۱۴۳۱ق). *موسوعة العلامة الألبانی*، صنعاء، مرکز النعمان للبحوث و

الدراسات الإسلامية و تحقيق التراث والترجمة.

١٨. _____ (١٤١٥ق). **سلسلة احاديث الصحيحة**، رياض، مكتبة المعارف للنشر و التوزيع.

١٩. _____ (بي تا). **السلسلة الضعيفة**، الرياض، مكتبة المعارف.

٢٠. الهى نژاد، حسين (زمستان ١٣٩٤). «**تحليل رويکرد شناختي و کارکرد شناختي انتظار از منظر اهل سنت**»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ٥١.

٢١. _____ (١٣٩٥). **بررسی و تحليل انتظار در اهل سنت** (ظرفيت شناسی انتظار در میان اهل سنت)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

٢٢. بزار، احمد بن عمر (١٤٣٥ق). **مسند البزار**، مدينة منوره (عربستان)، مكتبة العلوم و الحكم.

٢٣. بلو، عبدالله؛ يوسفیان، مهدي و رحيمي جعفری، محسن (زمستان ١٤٠١). «**بررسی و تحليل دیدگاه های مهدوی شیخ عثمان بن فودی**»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ٧٩.

٢٤. بیهقی، احمد بن حسين (١٤٢١ق). **شعب الإيمان**، بيروت، دارالکتب العلمية.

٢٥. ترمذی، أبو عيسى محمد بن عيسى (١٩٩٦م). **الجامع الكبير (سنن الترمذی)**، بيروت، دارالغرب الإسلامي.

٢٦. تنوخی، محسن بن علی (١٣٩٨). **الفرج بعد الشدة**، بيروت، دار صادر.

٢٧. ثعلبی، أحمد بن محمد (١٤٢٢ق). **الكشف والبيان عن تفسير القرآن**، بيروت، دار إحياء التراث العربي.

٢٨. الجرجاني، عبدالله بن عدی (١٤٠٩ق). **الكامل في ضعفاء الرجال**، بيروت، دار الفكر.

٢٩. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٢٥ق). **إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات**، بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

٣٠. حلی، حسن بن يوسف (١٤٢٥ق). **كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام**، تهران، وزارت ارشاد.

٣١. حمیری، عبدالله بن جعفر (١٤١٣ق). **قرب الاسناد**، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.

٣٢. خزاز رازی، علی بن محمد (١٤٠٢ق). **كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر**، قم، بيدار.

٣٣. خطيب بغدادی، احمد بن علی (١٤١٧ق). **تاريخ بغداد**، بيروت، دار الکتب العلمية.



۳۴. خوانساری، جمال الدین محمد (۱۳۶۶). *شرح بر عُمر الحکم و دُرر الکلم*، تهران، دانشگاه تهران.
۳۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷). *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
۳۶. دهقانی فارسانی، یونس؛ طباطبایی، سیدکاظم و جلالی، مهدی (پاییز ۱۳۹۲). «*بحثی در باره راه نیافتن روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» در گفتمان مهدویت اهل سنت*»، مجله علوم حدیث، شماره ۶۹.
۳۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق). *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت، دارالشامیه.
۳۸. راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۷ق). *الدعوات*، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۳۹. الشحود، علی بن نایف (۱۴۲۸ق). *موسوعة الغزو الفکری والثقافی وآثاره علی المسلمین*، بی جا، بی نا.
۴۰. _____ (بی تا). *موسوعة البحوث والمقالات العلمية*، بی جا، نرم افزار مکتبه الشامله).
۴۱. شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۴۰۹ق). *إحقاق الحق و إزهاق الباطل*، قم، کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۴۲. الشهاب القضاعی، محمد بن سلامه (۱۴۰۷ق). *مسند الشهاب*، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۴۳. صدر، صدرالدین (۱۴۲۸ق). *کتاب المهدی*، قم، بوستان کتاب.
۴۴. طبرانی، سلیمان بن أحمد (۱۴۱۵ق). *المعجم الكبير*، قاهره، مکتبه ابن تیمیه.
۴۵. طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۲ق). *تفسیر الطبری*، قاهره - مصر، هجر.
۴۶. طبسی، محمد رضا (۱۳۸۵ق). *الشیعه والرجعه*، نجف اشرف، آداب.
۴۷. عفانه، حسام الدین بن موسی محمد (۱۴۲۷ق). *فتاوی یسألونک*، فلسطین، مکتبه دندیس - المکتبه العلمیه ودار الطیب.
۴۸. غزالی، محمد بن محمد (۱۳۸۴ق). *إحیاء علوم الدین*، بیروت، دار المعرفه.
۴۹. فقیه ایمانی، مهدی (۱۴۰۲ق). *الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عند أهل السنة*، اصفهان، مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۵۰. قرطبی أبو عبد الله، محمد بن أحمد (۱۳۸۴). *الجامع لأحكام القرآن*، قاهره، دار الکتب المصریه.

٥١. قفاري، ناصر بن عبدالله (١٤١٤ق). *أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية* - عرض ونقد، عربستان، بی نا.
٥٢. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (١٤٢٢ق). *ینایع المودة لذوی القربی*، قم، دار الأسوة للطباعة و النشر.
٥٣. لیثی واسطی، علی بن محمد (١٣٧٦). *عیون الحکم و الموعظ (للیثی)*، قم، دار الحدیث.
٥٤. ماوردی، علی بن محمد (١٤٠٥ق). *أدب الدنيا و الدين*، محقق: محمد کریم رایج، بیروت، دار القراء.
٥٥. مبارکفوری، أبو العلا محمد عبد الرحمن (بی تا). *تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
٥٦. متقی هندی، علاء الدین علی (١٤٠١ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
٥٧. مجلسی، محمد باقر (١٤٠٣ق). *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
٥٨. موسوی اصفهانی، محمدتقی (١٤٢٨ق). *مکیال المکارم*، قم، مؤسسه الامام المهدي عليه السلام.
٥٩. الهیثمی، ابوالحسن نورالدین علی (١٤٠٨ق). *مجمع الزوائد*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
٦٠. الهیثمی، احمد بن حجر (١٣٨٥ق). *الصواعق المحرقة*، محقق: عبدالوهاب عبداللطیف، مصر، مکتبة القاهرة.

